

وقتی لاغر شدن به قیمت آبرو تمام می‌شود

گیلان امروز– بعد از دوبار زایمان، اندامم حسایی به هم ریخته بود و از حضور در جمع فامیل، دوستان و میهمانی‌ها خجالت می‌کشیدم. تا اینکه در فضای مجازی از طریق زنی ناشناس، با فردی آشنا شدم که خودش را جراح زیبایی معرفی کرده بود. بعد هم عکس‌هایم را برایش فرستادم. اما افسوس که حالا به جای رژیم لاغری آبرویم به خطر افتاده است.چراکه تازه فهمیده‌ام او یک شیاد بوده است. به گزارش ایسنا، مه‌ری پریشان‌احوال بود و به خاطر وزن زیاد، نفس‌نفس زنان خود را به اتاق مشاوره رساند. انگار از چیزی هراس داشت. اطرافش را به دقت نگاه کرد و وقتی مطمئن شد کسی در اتاق نیست اشک‌ریزان گفت: «پدرم مخالف درس خواندن دخترهایش بود. به همین دلیل من را مانند خواهر‌هایم در ۱۹ سالگی شوهر داد. همسر و زندگی‌ام را خیلی دوست داشتم. چند ماه بعد از ازدواج باردار شدم و به فاصله کوتاهی خدا دو فرزند به ما داد. آنقدر درگیر زندگی و بزرگ کردن بچه‌ها بودم که خودم را فراموش کرده بودم. وقتی به خودم آمدم متوجه شدم مانند یک زن سن و سال‌دار چاق شده‌ام. هیچ لباسی به من نمی‌آمد و همیشه برای اینکه بتوانم هیکل بدقواره‌ام را ببوشانم مجبور بودم لباس گشاد ببوشم و حسرت خوش‌اندامی را داشته باشم. اما هیچ کاری نمی‌توانستم انجام بدهم. چند سالی به همین وضعیت گذشت. وقتی بچه‌ها بزرگ‌تر شدند، وقتم آزادتر شد و به باشگاه رفتم. آنجا با چندین نفر آشنا شدم و ارتباطم با آنها بیشتر شد. راستش همیشه در رفت و آمدها خجالت می‌کشیدم چون نمی‌توانستم مثل بقیه اندامی مناسب داشته باشم و لباس‌های مورد علاقه‌ام را ببوشم و این موضوع هر روز اعتماد به نفسم را کمتر می‌کرد. نمی‌خواستم بیش از این از آنها کم بیایرم به همین دلیل شوهرم را مجبور کردم گوشی مدل بالا بخرم تا بتوانم مثل دوستانم در گروه‌های تلگرامی عضو شوم که ای کاش هرگز این کار را نکرده بودم …»

زن جوان که سعی می‌کرد جلوی اشک‌هایش را بگیرد کمی مکث کرد و ادامه داد: «همه چیز بعد از خریدن گوشی لعنتی و ارتباط اینترنتی شروع شد. من به واسطه دوستانم در گروه‌های زیادی عضو شدم و در یکی از این گروه‌ها با زنی به نام «شهلا» آشنا شدم. اوایل ارتباطمان در حد رد و بدل کردن پیام‌های معمولی بود اما کمی بعد طوری با من ارتباط گرفت که ناخواسته به او اعتماد کردم. برای آشنایی بیشتر، عکس‌هایش را برایم فرستاد و من هم چند عکس برایش فرستادم. شهلا

وقتی عکس‌هایم را دید طوری واکنش نشان داد که همان یک ذره اعتماد به نفسم را هم از دست دادم. او حسایی به وزنم گیر داده بود. خیلی ناراحت بودم و احساس حقارت می‌کردم. سر بحث باز شده بود و او راهکارهای مختلفی را برای کاهش وزنم می‌داد اما من همه آن راه‌ها را رفته بودم. وقتی این موضوع را با او درمیان گذاشتم ناگهان ادعا کرد پزشکی را می‌شناسد که توصیه‌های کاهش وزن و تناسب اندام را اینترنتی انجام می‌دهد و اگر بخواهم می‌تواند ما را با هم آشنا کند. من که فکر می‌کردم می‌توانم به همین راحتی از دست این اضافه‌وزن لعنتی خلاص شوم با شور و شوق بسیار آدرس تلگرام آن دکتر را گرفتم.»

مه‌ری وقتی به این قسمت داستانش رسید سری به تأسف تکان داد و گفت: «بدون اینکه با کسی مشورت کنم آدرس تلگرام آقای دکتر قبلی را وارد کردم و با ورود به صفحه شخصی او مشکلم را گفتم و با التماس و خواهش خواستم کمکم کند. او هم بلافاصله بارسال پاسخی قول داد که با توصیه‌هایش در کمترین زمان به وزن ایده آل می‌رسم. پس از توافق برسر قیمت، به اصطلاح درمان‌ام شروع شد. آن دکتر قبلی پس از اینکه مشخصات ظاهر‌ام را پرسید از من خواست از قسمت‌های مختلف بدنم عکس بگیرم و برایش بفرستم تا



زنی پس از جنایت هولناک جسد قربانی را خوراک خانواده‌اش کرد

برانگیخت و مأموران پی بردند او در این ماجرا نقش دارد و مسافرت نیز بهانه ای برای فرار بوده است. بدین ترتیب مأموران در کمین شهلا نشستند و زمانی که این زن به خانه برگشت، او را بازداشت کردند و برای بازجویی به اداره آگاهی بردند.

جسدی داخل سطل

در تحقیقات اولیه از شهلا، کارآگاهان متوجه اظهارات ضد و نقیض او شدند که همین امر احتمال دست داشتن این زن جوان در ناپدید شدن سپیده را پررنگ کرد. با این احتمال، کارآگاهان با بازپرس ویژه قتل شهرستان ایرانشهر هماهنگ کرده و وارد خانه او شدند.

در بازرسی از خانه این زن جسد مثله شده سپیده داخل سطلی پیدا شد و بار دیگر تحقیق از شهلا صورت گرفت.شهلا که ابتدا منکر جنایت بود زمانی که با مدارک پلیسی روبه رو شد به ناچار به قتل سپیده با همدستی زن و مردی اعتراف کرد. او در رابطه با این جنایت گفت: از مدت‌ها قبل سپیده را می‌شناختم و از وضع مالی خوبی که داشت باخبر بودم . وضع مالی من به شدت بد بود. هر بار که طلاهای سپیده را می‌دیدم وسوسه می‌شدم با سرقت آنها به فقر خودم پایان بدهم. به همین دلیل تصمیم گرفتم با نقشه‌ای حرفه‌ای طلاهای سپیده را بزنم. اما برای انجام این نقشه نیاز به کسی داشتم تا کمک کند به همین دلیل موضوع را به یکی از دوستانم به نام لیلیا گفتم. لیلیا پیشنهاد استقبال کرد و از برادرشوهرش خواست در اجرای این نقشه مرا همراهی کند.

او ادامه داد: روز حادثه سپیده را به خانه‌ام دعوت کردم. لحظاتی از حضور او در خانه گذشته بود که به بهانه خرید از منزل خارج شدم و سپیده را تنها گذاشتم. طبق نقشه قرار بود لیلیا و برادرشوهرش به عنوان سارق وارد خانه شوند و بعد از

{اجتماعی}

بتوانند توصیه‌های دقیق تری ارائه کند. من هم بدون فکر همان کار را کردم و عکس‌ها را فرستادم. وقتی عکس‌ها ارسال شد پیامی برایم آمد که هنوز تن و بدنم از یادآوری محتوایش می‌لرزد. تازه آنجا بود که فهمیدم در دام چه شیادانی افتاده‌ام. آن آقای مثلاً دکتر، عکس‌ها را به همراه پیامی برای خودم فرستاد و نوشت اگر ۱۵ میلیون تومان به حسایش واریز نکنم عکس‌ها را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کند و… . نمی‌دانستم باید چه کار کنم. اگر عکس‌ها منتشر می‌شد آبروی خودم و خانواده‌ام بر باد می‌رفت. به همین دلیل بلافاصله به پلافروشی رفتم و بازهم بدون مشورت مقداری از طلاهایم را فروختم و پول را به حساب آن شیاد واریز کردم. فکر می‌کردم همه چیز تمام شده و او دیگر مزاحم زندگی‌ام نمی‌شود اما سه هفته بعد از آن روز لعنتی، پیام تهدیدآمیز دیگری از دکتر قبلی دریافت کردم که ۱۵ میلیون تومان دیگر خواسته بود.حالا درمانده شده‌ام و نمی‌دانم چه کنم. حتی می‌ترسم به همسرم در این باره چیزی بگویم. من سال‌ها با آبرو زندگی کرده‌ام. خواهش می‌کنم کمکم کنید». مشاوران مرکز پلیس اصفهان پس از شنیدن اظهارات این زن، او را برای شناسایی کلاهبردار تلگرامی به پلیس فتا معرفی کردند و هم‌زمان کارشناسان با ارائه برنامه خاص رفتاری برای بالا بردن اعتماد به نفس این زن اقداماتی را انجام دادند. کارشناس مرکز مشاوره در این‌باره گفت: «با توجه به اینکه این زن در سن پایین ازدواج کرده همیشه در محیط خانه بوده و با توجه به تربیت فرزندان امکان ارتباط اجتماعی و تحصیلات را نداشته در نتیجه باعث شده آگاهی‌های او در محیط بیرون و تجزیه و تحلیل اجتماعی‌اش کاهش یابد. این زن برای وارد شدن به جامعه و زندگی متفاوت با گذشته دوستان مناسبی را انتخاب نکرده که همین امر باعث بزه‌دیدگی او شده است. از طرفی او توانایی‌های خود را باور نداشته و اضافه وزنش باعث حقارتش شده است. همین موضوع هم او را در دام شیادان انداخته و طعمه اخاذی آنها کرده است.»

این کارشناس مشاوره و مسائل خانواده ادامه داد: «همان‌طور که در این پرونده مشاهده شد این زن به دلیل نداشتن آگاهی و آموزش صحیح درباره فضای مجازی، در گروه‌های نامناسب عضو و قربانی شده است. او برای اینکه بتواند کمبودهای زندگی‌اش را جبران کند به راحتی به افراد ناشناس اعتماد کرده و در دام آنها افتاده است. امیدواریم داستان این شخص عبرتی برای دیگران بوده و با هشیاری بیشتر شهروندان، زمینه سوءاستفاده این گونه کلاهبرداران مجازی از بین برود.»

کیان امروز- سال هفدهم/ شماره ۴۶۱۸

سلامت

چرا خطر همه‌گیری جهانی یک بیماری بیشتر شده است

گیلان امروز– گاهی اوقات تنها یک عطسه یا سرفه نه تنها می‌تواند زندگی فرد را تغییر دهد بلکه زندگی همه اطرافیان را برای ماه‌ها یا حتی سال‌ها تحت تاثیر قرار می‌دهد و حتی به همه‌گیری جهانی بیماری تبدیل شود.

به گزارش ایسنا، دلایل متفاوتی وجود دارد که بر اساس آنها امروزه بشر بیش از گذشته در معرض همه‌گیر شدن یک نوع بیماری قرار دارد. در بسیاری از موارد افراد نزدیک به بیمار بیشتر در معرض خطر هستند اما همیشه این خطر محدود به نزدیکان بیمار نمی‌شود.

کارشناسان سلامت عمومی معتقدند اکنون بشر بیش از تجربه‌های پیشین خود از شیوع گسترده و همه‌گیر شدن جهانی بیماری‌هایی همچون سارس، آنفلوآنزای خوکی، ابولا و زیکا در معرض خطر قرار دارد. در مدت زمان همه‌گیری ابولا در سال‌های ۱۶-۲۰۱۴ بیش از ۲۸ هزار نفر آلوده شدند و بیش از ۱۱ هزار تن بر اثر آن جان خود را از دست دادند.

همچنین تا دهم مارس سال جاری، ۸۴ کشور جهان انتقال ویروس زیکا را گزارش کرده‌اند. این بیماری در دهه ۱۹۴۰ کشف شد اما اولین شیوع آن در سال ۲۰۰۷ در مجمع الجزایر میکرونزی در اقیانوس آرام رخ داد.

در هر زمانی، ظهور آلودگی و عفونت غیر قابل انتظار و بزرگی آن بی‌سابقه است و جهان را در برابر خود آسیب پذیر می‌سازد. کارشناسان بر این باورند که مورد بعدی شیوع بیماری، بشر را شگفت زده خواهد کرد و لازم است در برابر آن آمادگی داشته باشیم. «جیمی وینورث» پروفیسور سلامت عمومی بین المللی در دانشکده بهداشت و طب استوایی لندن گفت: اکنون ما در جهان همچون یک کشور ضعیف از نظر وضعیت ایمنی هستیم. همچنین وجود سیستم‌های سلامت و اقتصادهای ناپایدار از این امر حکایت دارد که از وضعیت ایمن بسیار دور هستیم.

بیماری‌های عفونی به مرزها توجهی ندارند. سازمان جهانی بهداشت (WHO) هر ماه نسبت به وقوع صدها مورد شیوع محدود بیماری‌ها هشدار می‌دهد که اطلاعات آنها برای پیش‌بینی احتمال وقوع یک مشکل بزرگتر مورد بررسی و استفاده قرار می‌گیرد. به اعتقاد کارشناسان، بسیاری از جنبه‌های زندگی مدرن، بشر را در معرض خطر قرار می‌دهد اما چرا اکنون خطر همه‌گیرشدن جهانی یک نوع بیماری بیش از گذشته است. در زیر به مواردی که روی این موضوع تاثیرگذار هستند اشاره شده است. افزایش جمعیت و شهرنشینی: تحقیقات زندگی شهری این است که افراد در فضاهای شهری هنگام غذاخوردن، کار کردن و جابه‌جایی به یکدیگر نزدیکتر هستند. این شرایط احتمال را برای گسترش بیماری‌ها از طریق هوا، پشه یا آب آلوده بیشتر می‌کند. ورود به محیط‌های جدید: با رشد جمعیت، میزان فضا و زمین مورد نیاز برای سکونت افراد بیشتر می‌شود و جمعیت به سمت مناطقی بیش می‌رود که بیش از این غیرقابل سکونت بوده است. در این فضاهای جدید افراد در تماس با حیوانات و آلودگی‌های بیشتر قرار می‌گیرند.

تغییرات اقلیمی: شواهد نشان می‌دهد تغییرات اقلیمی، موج گرما و وقوع سیلاب‌های متعدد را به دنبال دارد که شرایط را برای شیوع بیماری‌های ناشی از آب آلوده همچون وبا فراهم می‌سازد. سازمان جهانی بهداشت برآورد کرده است بین سال های ۲۰۳۰ تا ۲۰۵۰ تغییرات اقلیمی موجب مرگ ۲۵۰ هزار نفر دیگر در سال بر اثر گرما، سوء تغذیه و شیوع بیماری‌هایی همچون مالاریا می‌شود.

افزایش سفرهای جهانی: به‌گفته محققان با افزایش تعداد سفرها افراد آسیب پذیرتر می‌شوند. بررسی‌ها حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۵ تعداد ورود توریست‌های بین‌المللی به رکورد یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون مورد رسیده که ۵۰ میلیون بیش از رقم ثبت شده در سال ۲۰۱۴ بوده است.افزایش سفرها به شیوع بیشتر عفونت‌ها و آلودگی‌ها کمک می‌کند. درگیری‌های داخلی: در صورتی که کشوری درگیر ناآرامی‌های داخلی باشد، توانایی برای کنترل مشکلات فرآینده و ناگهانی همچون شیوع بیماری می‌تواند مردم آن کشور را به زانو درآورد و شرایط رشد عفونت را فراهم سازد. شیوع بیماری‌ها می‌تواند کشورها را کاملاً فلج کند. به‌طور مثال در پی شیوع بیماری ابولا در سال ۲۰۱۴ سه کشور سیرالئون، گینه و لیبِریا در آستانه فروپاشی قرار گرفتند.

کمبود پزشک و پرستار در مناطق شیوع بیماری: علاوه بر ضعف سیستم سلامتی کشورهایی که مستعد شیوع بیماری هستند از تعداد پزشک و پرستار لازم برای درمان بیماران برخوردار نیستند. اطلاع رسانی سریع: در عصر اطلاعات، سطح جدیدی از ارتباطات سطوح جدیدتری از ترس و فضای گسترش آن را به وجود می‌آورد. اگرچه در دوره ای اکثریت موارد شیوع بیماری‌ها به افراد دور از کانون اصلی اطلاع رسانی نمی‌شد، امروزه مردم از آگاهی بیشتری برخوردارند و به اطلاعات شفاف و دقیق تری نیاز دارند.

به گزارش شبکه خبری CNN، به‌گفته کارشناسان شکل‌دهی اطلاعات و انتشار آنها توسط افراد متعدد به وسیله امکانات و ابزار امروزی می‌تواند روند پیام رسانی و آنچه که افراد می‌خوانند و باور می‌کنند را تغییر دهد.

سرقت مقداری از لوازم خانه، طلاهای سپیده را با تهدید از او بدزدند. لحظاتی بعد از خروج من از خانه، لیلیا و برادرشوهرش وارد شدند و من منتظر بودم که آنها خیر انجام سرقت را به من بدهند تا وارد خانه‌ام شوم که زنگ زدند و گفتند اتفاق بدی افتاده است، فوراً خودم را به خانه رساندم. وقتی هراسان وارد منزل شدم جسد سپیده را دیدم که در پذیرایی افتاده بود. آنها به من گفتند زمانی که قصد سرقت طلاها را داشتند با سپیده درگیر شدند که ناگهان او تعادلش را از دست داده، سرش به دیوار خورده و همین حادثه باعث مرگش شده است. سپیده مرده بود و ما باید جسد او را از خانه خارج می‌کردیم تا کسی از راز این قتل باخبر نشود. برای آنکه حمل جسد راحتتر شود آن را تکه تکه کردیم. بعد از این کار، لیلیا و برادرشوهرش خانه ام را ترک کردند و قرار بود با تاریکی هوا برگردند و جسد را بیرون ببریم که دستگیر شدم.

در پی اعترافات زن جوان، لیلیا و برادرشوهرش نیز بلافاصله دستگیر شده و به قتل اعتراف کردند. با تحقیقات از عاملان این جنایت هولناک زن جوان مدعی شد بعد از اینکه جسد را مثله کرده آن را داخل کیسه فریزر گذاشته و به عنوان گوشت شتر با اتوبوس برای برادرش در شیراز ارسال کرده است. با توجه به ادهای این زن نیابت قضایی برای بررسی موضوع به دادسرای جنایی شیراز داده شد.

با توجه به حساسیت موضوع ماموران به منزل برادر این زن در شیراز رفته و در حالی مقادیری از گوشت زن جوان را در فریزر پیدا کردند که اعضای این خانواده مدعی شدند از موضوع اطلاعی نداشته و حتی چندین بار از این گوشت خورده‌اند. با توجه به اظهارات این مرد، دستور بازداشت وی صادر و گوشت های باقی مانده به پزشکی قانونی ارسال شد.

پلیس هند در جستجوی هویت دختر بچه‌ای که در جنگل پیدا شد

یکی از مسئولان این بیمارستان دولتی می‌گوید که وقتی دختر بچه‌ای است که گفته می‌شود در جنگل با میمون‌ها زندگی می‌کرده است. به گزارش ایسنا، این دختر بچه که بین ۱۰ تا ۱۲ سال سن دارد بنابر گزارش‌های در یافتی زمانی که در اوایل سال جاری میلادی (ژانویه ۲۰۱۷) در جنگل پیدا شد قادر به حرف زدن و حتی راه رفتن روی پاها شبیه به انسان‌های عادی نبود. هم اکنون پلیس هند در حال بازربینی گزارش‌های مربوط به کودکان گم شده است تا بلکه بتواند هویت این دختر بچه را که در جنگل با گروهی از میمون‌ها زندگی می‌کرده شناسایی کند. به گزارش گاردین، این دختر بچه سپس به بیمارستانی در یکی از شهرهای ایالت «اوتار پرادش» در شمال هند منتقل شد.

